

و حالا الهه…

شهرزاد همتی: حالا در تحریریه «شرق» و هم‌میهن و چند تحریریه در استان‌های کردستان، اصفهان و سیستان‌وبلوچستان چند صدنلی خالی است. صدنلی خبرنگارانی که به گفته وکلایشان و خانواده آنها و همچنین اهالی تحریریه‌ها هرچه کرده‌اند در چارچوب قانون و دستورات رسانه‌شان اتفاق افتاده است.

الهه محمدی، خبرنگار حوزه زنان، یکی از همان‌هایی است که از روز پنجشنبه بازداشت شده و صدنلی‌اش در روزنامه هم‌میهن خالی شد. نیلوفر حامدی و الهه، ۱۷ مرداد همین امسال، برای نوشتن بهترین گزارش‌های اجتماعی در یک سال گذشته جایزه بهترین خبرنگاران را دریافت کرده بودند و حالا هرکدام‌شان به دلیلی که هنوز برای هیچ‌کدام از ما روشن نیست، در بازداشت به سر می‌برند.

ما نه‌تنها نگران دوستان‌مان و تکه‌هایی از خاطرات سال‌های کاری‌مان هستیم، بلکه با نگرانی به حیثیت شغلمان می‌اندیشیم. ما مرغ‌های عروسی و

نورا حسینی؛ بعد از حاشیه‌های بسته‌ماندن درهای بهشت زهرا در

غروب سوم شهریور امسال که گفته می‌شود یکی از دلایل برکناری مدیرعامل سابق سازمان بهشت زهراست، حفاظت از این مکان به یگان فاتحین سپاه سپرده شد. رسانه‌ها ماجرای این غروب پرحاشیه را این‌گونه روایت کرده‌اند:« درحالی‌که چند هزار نفر در بهشت زهرا حضور داشتند، دربانان، همه درها را قفل کرده و مردم سرگردان به دنبال راهی برای خروج می‌گشتند؛ اما با بسته‌بودن همه درها مواجه می‌شوند. به دنبال سردرگمی و اعتراض مردم گرفتار در پشت درهای بسته و تماس با برخی مقامات و مسئولان کشوری و انعکاس موضوع، سرانجام علیرضا زاکانی ناکریربه برکناری سعید غضنفری از مدیریت بهشت زهرا می‌شود. روابط‌عمومی سازمان بهشت زهرا هم در این زمینه توضیح داده بود: «به دلیل جابه‌جایی و تغییر در یگان حفاظت سازمان، این نگرانی وجود داشت‌که تأمین امنیت قبور با اشکال روبه‌رو شود، به همین دلیل و به منظور حفظ و صیانت از فضای پیرامونی آرامستان بهشت زهرا، با غروب آفتاب درهای سازمان بسته شد.»

بعد از گذشت یک ماه از این ماجرا روابط‌عمومی سازمان بهشت زهرا اعلام کرده حفاظت محیطی و پیرامونی این سازمان بر عهده دژیان ارش بود که در تفاهم‌نامه‌ای این حفاظت به یگان فاتحین واگذار شده است. روابط‌عمومی سازمان بهشت حضرت زهرا(س) گفته است که همکاری با ارتش در زمینه‌های دیگر ازجمله تشریفات سازمان ادامه خواهد داشت، اما به دلیل نیاز به مراقبت حداکثری از این آرامستان یگان فاتحین در این سازمان مستقر شده است. بر اساس گزارش روابط‌عمومی بهشت زهرا، از دو هفته گذشته در تفاهم‌نامه‌ای موضوع حفاظت از بهشت حضرت زهرا(س) به یگان فاتحین سپرده شد و این مجموعه مسئولیت حفاظت و مراقبت از سازمان را بر عهده خواهد گرفت. این یگان در روزهای اخیر نیز به‌طور موقت عهده‌دار حفاظت درهای اصلی سازمان بودند. خبرگزاری تسنیم در سال ۹۹ در وصف یگان ویژه فاتحین نوشته است که «در سال ۷۸ و با همت شهید مجید فتحی‌نژاد و بسیجیان غرب تهران در ناحیه مقاد و تحت عنوان یگان عملیات ویژه هوایرد ایجاد شده و درحال‌حاضر به یکی از رده‌های سازمان رزم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بدل شده است. بر اساس اطلاعات منتشرشده آنچه باعث شد بیش از همه چیز نام فاتحین بر سر زبان‌ها بیفتد، حضور نیروهای این یگان

یک روزنامه‌نگار دیگر بازداشت شد

روزنامه‌نگاری بحران در بحران

سامان موحدی‌راد؛ موج بازداشت‌ها در روزهای پایانی هفته نخست مهرماه بار دیگر شدت گرفت و چند چهره مختلف از گروه‌های متفاوت بازداشت شدند؛ از برخی شهروندان معمولی که تصاویر زندگی روزمره‌شان را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده بودند تا فوتبالیست‌ها، دانشجویان و البته طبق معمول همیشه چند روزنامه‌نگار. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در هفته پایانی شهریور خبر داده بود که در جریان هفته نخست اعتراض‌ها ۹ روزنامه‌نگار بازداشت ا احضار شده بودند. حالا در هفته دوم تداوم اعتراض‌ها، الهه محمدی، خبرنگار روزنامه هم‌میهن نیز بازداشت شد تا تعداد بازداشتی‌های مطبوعاتی افزایش پیدا کند. همچنین برخی خبرهای غیررسمی از بازداشت یک عکاس هم حکایت دارد.

بازداشت خبرنگارهای صف اول اطلاع‌رسانی

روزنامه‌نگاری در دنیای امروز ایران کار بسیار سختی است. شغلی که در دهه‌های

عزا که هر روز از یک جانب متهم می‌شویم و حالا در روزهای ملتهب مطبوعات ایران، هر روز یکی از ما کم می‌شود و در سکوت کار می‌کنیم.

تحریریه همه امید ماست. همه مایی که تعدادمان روزبه‌روز کمتر می‌شود. خسته از جملات کلیشه‌ای مثل این جمله که عشق به نوشتن و بوی کاغذ کاهی روزنامه ما را زنده نگه داشته، به مسئولیت‌هایی فکر می‌کنیم که به‌عنوان خبرنگار بر عهده ماست.

الهه محمدی از بی‌حاشیه‌ترین خبرنگاران حوزه اجتماعی و زنان ایران، در شرایطی زندانی است که ما امید داشتیم دوستان درندمان زودتر از زندان آزاد بشوند. حالا با این ترس مدام که چه بر سر ما، آنها و بر سر حرفه ما می‌آید، در بهت و غمی جانکاه مجبوریم روزنامه منتشر کنیم، مطالب را آماده کنیم و برای هم وانمود کنیم که هیچ اتفاقی نیفتاده؛ اما این‌ا حفره‌های خالی در قلب ما روبه‌روز عمیق‌تر و جانکاه‌تر از پیش می‌شوند.

حالا که در حال نوشتن این چند خط هستیم، احتمالا همکارانمان در روزنامه



در جبهه مقاومت و دفاع از حرم اهل بیت(ع) در برابر تروریسم تکفیری بود که در این مسیر یگان فاتحین شهدا و جانبازانی نیز تقدیم کرده است». فرمانده این گردان در این گفت‌وگو به برخی از مأموریت‌هایشان نیز اشاره کرده و گفته است: «در آن سال‌ها مأموریتی به فاتحین واگذار شد که مأموریت بزرگی بود و آن هم تأمین امنیت اجلاس سران غیرمتعهدها بود که فاتحین در موضوع اسکورت شخصیت‌ها عملکرد خوبی داشت و مورد توجه هم قرار گرفت. هر جایی که نیروهای پنج‌گانه سپاه احساس نیاز کنند و از ما درخواست بکنند، ما به آنها کمک می‌کنیم. مثلا در موضوع اجلاس سران تجربه‌ای شد که درخواست‌هایی از طرف سازمان ارائه شود و فاتحین به آنها کمک کند. شاخص‌ترین مأموریت فاتحین مأموریت سوریه و مدافعان حرم بود که ما اولین رده بسیجیانی بودیم که وارد کشور سوریه شدیم و افتخار مدافع حرم بودن نصیب بچه‌ها شد». در یک سال گذشته با تغییر مدیریت شهری حضور سپاه در حوزه‌های مختلف شهری از پروژه‌های عمرانی گرفته تا حوزه‌های اجتماعی پررنگ‌تر از گذشته شده است. قرارگاه خاتم پیامکار اصلی بسیاری از پروژه‌های عمرانی شهری به‌تازگی مسئولیت ساخت خط ۱۰ متروی تهران را بر عهده گرفته و شهرداری تهران هم به‌زودی تفاهم‌نامه بزرگی با قرارگاه خاتم برای اجرای

هم‌میهن در سکوت صفحاتشان را آماده می‌کنند و مثل ما فکر می‌کنند که پایان این روزها چگونه رقم می‌خورد؟ درها بالاخره باز می‌شوند، دختران ما دوباره به تحریریه بازمی‌گردند، احتمالا دوباره دور هم جمع می‌شویم و بلندبند می‌خندیم، احتمالا صدای آرام گریه‌هایمان قطع می‌شود؛ اما چیزی مثل یک زخم تا ابد روی قلب همه ما باقی می‌ماند. زخمی که روبه‌روز عمیق‌تر شد و هیچ‌کس نفهمید چرا انگشت اتهام به سوی ما نشانه گرفته شد. ما هرچند اندوهگین هستیم، اما می‌دانیم عدالت همیشه می‌تواند نجات‌دهنده باشد.

این عکس، این عکس خوشحال، برای روز ۱۷ مرداد است. روزی که الهه و نیلوفر از انجمن صنفی روزنامه‌نگاران جایزه بهترین روزنامه‌نگاران را دریافت کردند. این عکس را منتشر می‌کنیم تا وقتی آزاد شدند به آنها نشان بدهیم و بگویم یک روزی که خیلی دور نبود، چقدر در دیدن این خنده‌های واقعی گریه کردیم…

داشتند که یکی از بهترین پیمانکاران قرارگاه خاتم است و در تمام

پروژه‌های موفق تهران و حتی کشور، شما ردیای قرارگاه را می‌بینید. عبدالمظهر محمدخانی، سخنگوی شهردار تهران هم پیش از این در گفت‌وگو با رسانه‌ها درباره حضور دوباره قرارگاه به پروژه‌های شهری گفته بود با نوع رویکرد شهردار تهران، از همه ظرفیت‌های موجود در دولت، نهادهای عمومی و خصوصی برای رشد و توسعه تهران کمک خواهد گرفت. علی فدوی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران که در همان ماه‌های نخست فعالیت شورای ششم به صحن ششورای شهر تهران آمده بود، به رسانه‌ها گفته بود که همکاری مدیریت شهری و سپاه در دوره‌ای افزایش چشمگیری داشت و ساخت بزرگراه‌ها، پل‌ها، تونل‌ها و متروی تهران بخشی با همکاری قرارگاه خاتم انجام شده است. زاکانی یک رزمنده و جانباز است و هر میزانی که او از سپاه کمک بخواهد، ما پای کار هستیم و درحال‌حاضر ظرفیت‌هایی از جنس ظرفیت‌هایی که شهرداری نیاز دارد، در سپاه بسیار وجود داشته که استفاده نمی‌شود و ظرفیت بی‌نتهائی در قرارگاه خاتم وجود دارد که می‌تواند برای شهر تهران و همه کشور به کار بیاید؛ ظرفیتی که به گفته او در دوره گذشته مدیریت شهری درخواستی برای استفاده از آن نشده بود. همان زمان علیرضا زاکانی، شهردار تهران، از حضور دوباره قرارگاه به پروژه‌های شهری استقبال کرده و گفته بود ما از همه کسانی که ظرفیت‌های لازم برای کمک به شهر داشته باشند، استفاده کرده و تلاش می‌کنیم همه فرصت‌ها را برای خدمت به شهر به کار گیریم. اداره این شهر شوخی نیست و تنها نمی‌توان بار اداره پایتخت را بر دوش شهرداری گذاشت. زاکانی در نخستین نشست خبری خود درباره قراردادهای منعقدشده شهرداری با نهادهای نظامی ازجمله قرارگاه خاتم توضیح داده بود: بعد از آقا قالیباف هم از رتباط با سپاه بوده است و در قرارگاه خاتم انجام شده است. قرارگاه خاتم به معنای بخشی اقتصادی که می‌تواند پروژه انجام دهد و پروژه‌های بزرگی هم انجام می‌دهد. همه شهرداران نسبت به آن اقبال داشتند؛ مگر اینکه کسی می‌خواست برخورد سیاسی کند. به‌جز پروژه‌های عمرانی، سپاه در حوزه‌های اجتماعی شهر تهران نیز ورود کرده است. در زمان ایجاد قرارگاه اجتماعی، معاون فرهنگی و اجتماعی شهردار تهران گفته بود که سپاه، بسیج، ستاد اجرائی و بنیاد علوی به واسطه تکلیف شهروندی پای کار آمدند. فرمانده سپاه محمد رسول‌الله(ص) هم که یکی از میهمانان صحن



واگذاری حفاظت از بهشت زهرا به یک نیروی جدید

شورای شهر تهران بود، درباره فعالیت سپاه و بسیج در محلات شوش و هرندی گفته بود: متأسفانه در تهران بزرگ چند محله آسیب‌دیده داریم. البته اقدامات خوبی در سال‌های اخیر صورت گرفته است. بسیج قرارگاهی را برای این شش محله آسیب‌دیده تشکیل داده و قرار شده با یک برنامه منسجم تمام ظرفیت‌ها را با همین گروه‌های جهادی به کار گیریم. البته گروه‌های جهادی تنها معطوف به عرصه عمران نیست و سلامت، فرهنگ و علمی را نیز در بر می‌گیرد. همه گروه‌های جهادی را معطوف به این شش محله می‌کنیم. از دهه ۷۰ تا پیش از مدیریت شهری پنجم قرارگاه خاتم و سپاه حضور پررنگی در پروژه‌های شهری داشتند. فعالان حوزه شهری می‌گویند ورود سپاه به پروژه‌های بزرگ ساخت‌وساز در شهر تهران از دهه ۷۰ و با ساخت پل‌های شهری آغاز شد؛ اما در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ و در دور شهرداری محمود احمدی‌نژاد و پس از آن محمدباقر قالیباف، حضور سپاه در قراردادهای بزرگ شهری در حوزه ساخت اتوبان، تونل، مترو و پارک‌های شهری درخور توجه شد. مرور اخبار قدیمی در این حوزه نشان می‌دهد محمود احمدی‌نژاد، شهردار وقت تهران، در سال ۸۲ قرارگاه خاتم را به پروژه‌های اقتصادی تهران دعوت می‌کند. احمدی‌نژاد بهمین سال ۱۳۸۲ گفته بود: «تشریفات زائد اداری جز تحمیل هزینه‌های سنگین به مردم و شهر، فایده دیگری ندارد؛ بنابراین مدیریت شهری باید همواره فارغ از دغدغه‌های سیاسی و غیرسیاسی و بازی‌های معمول مخرب، خود را وقف خدمت به مردم و شهر کند». او در ادامه سخنانش از سه‌برابرشدن حجم فعالیت‌های عمرانی شهرداری سخن گفته و افزوده بود: «از شرکت‌های وابسته به بنیاد مستضعفان و بنیاد خاتم‌الانبیا که دارای تجربه و توانمندی لازم بوده و پروژه‌ها را با بالاترین کیفیت و پایین‌ترین قیمت انجام می‌دهند، استفاده کرده‌ایم». احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۲ وعده داد از سال آینده، یعنی ۱۳۸۳، همه قراردادهای پیمانکاری شهرداری به صورت کاملا شفاف و علنی به شهروندان تهرانی اعلام شود. او در سال‌های اولیه روی‌کارآمدنش هم روابط حسنه‌ای با قرارگاه سازندگی سپاه خاتم داشت. اما احمدی‌نژاد تنها شهردار تهران نبود که از فعالیت قرارگاه خاتم در پروژه‌های شهرداری حمایت کرده بود؛ محمدباقر قالیباف نیز در دوران طولانی‌ای که شهردار تهران بود، با همکاری قرارگاه تهران را به یک کارگاه عمرانی بزرگ تبدیل کرد.

باشد که نمی‌توان جلوی انتشار خبر را گرفت؛ چه زمانی که هنوز اینترنت و گوشی‌های هوشمند فراگیر نشده بودند و اخباری نظیر مرگ زهرا کازمی یا قتل‌های زنجیره‌ای، قتل‌های محفلی وو… منتشر شد و چه در چنین روزگاری که هر شهروندی با یک گوشی تلفن همراه هوشمند می‌تواند منبع خبری باشد و گزارش‌های به‌لحظه ارسال کند. همه این تجربه‌ها باید به سیاست‌گذاران آموخته باشد که مقابل نشر را نمی‌توان گرفت. بااین‌حال می‌بینیم که همچنان اولین اقدام در رویدادها، مقابله با خبرنگارانی

است که قصد انتشار خبر را دارند. این در حالی است که برخی نهادهای چنندین و چند بازوی رسانه‌ای و بودجه‌های قابل توجه اغلب نه می‌توانند خودشان صف اول انتشار را بزنند و نه در ادامه می‌توانند افکار عمومی را مدیریت کنند. چند رویداد مهم و بحران‌آفرین را در یک دهه اخیر می‌شناسید که نخستین خبرهای آن از صداوسیما ایران پخش شده باشد؟ در چنین وضعیتی سیاست‌گذاران چه انتظاری از خبرنگاران دارند؟ آیا می‌توان از خبرنگار خواست که از انتشار خبر دست بکشد؟ سیاست‌های اعمالی آنها آیا مانع از این شده که مردم در جریان رویدادها قرار نگیرند؟ آیا وقت بازنگری در این سیاست‌ها نرسیده؟ یک بار برای همیشه باید این سنگ را در بنای سیاست‌گذاری‌سیاسن محکم کنند که راهی برای جلوگیری از انتشار خبر وجود ندارد. راهی برای محدودکردن خبرنگار وجود ندارد. نمی‌توان نیلوفر و الهه و صداها خبرنگار دیگر را به جرم انجام وظیفه‌شان بازداشت و محبوس کرد.

از ماجرا بود. هر دو این خبرنگارها در ارتباط مستقیم با دبیرسرویس‌ها، سردبیرها و مدیرمسئول‌هایشان بودند و اخبار را هم تنها برای رسانه‌هایشان ارسال کردند. با این شرح وظیفه و انجام وظیفه‌ای کاقعی، سؤال مهم این است که چرا باید چنین خبرنگارهایی بازداشت شوند؟ آن هم با درنظرگرفتن این مسئله که رسانه‌های ایرانی بخش مهمی از محتواهای تولیدشده این خبرنگارها را به دلیل خطوط قرمز منتشر نمی‌کنند. با چنین تصویر و وضعیتی از رسانه‌های ایرانی چرا باید مانع از فعالیت خبرنگارها شد؟ سؤال مهم‌تر این است که در ایران چه انتظاری از روزنامه‌نگار و خبرنگار وجود دارد؟ چه مشکلی در بیان واقعیت و حقیقت وجود دارد که تا این حد در انتشار آن مانع هست؟

روزنامه‌نگار در بحران چه می‌کند؟

سال‌ها درپیش‌گرفتن سیاست‌های رسانه‌ای در ایران باید این مسئله را آموخته

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت گسترآب جنوب (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۰۰۷۱۳ و شناسه ملی ۰۵۳۴۴۰۷۳۰۱۰۸۶ (نوبت اول) در اجرای ماده ۲۲۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت گسترآب جنوب (در حال تصفیه - سهامی خاص) که آگهی انحلال آن در صفحه ۲۶ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۲۵۲۶ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۴ درج گردیده است دعوت به عمل میاید تا ظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبتۀ ادعای خود به (مدیر تصفیه) محمود زرگر به شماره همراه ۰۹۱۰۱۸۴۷۷۶۱ - مستقراً در آدرس تهران خیابان گلاب، خیابان حسینی، بن بست یحیایی، پلاک ۱۸ ، واحد یک، که پستی ۱۴۵۱۹۷۶۷۸۱ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هر گونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق در مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهند داشت. **محمود زرگر مدیر تصفیه شرکت گسترآب جنوب (سهامی خاص) در حال تصفیه**

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت احیاگران سلامت فردا (با مسئولیت محدود) به شماره ثبت ۴۹۱۴۸۲ و شناسه ملی ۰۵۸۲۵۳۶۴ (نوبت دوم) در اجرای ماده ۲۱۵ قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت احیاگران سلامت فردا در حال تصفیه (با مسئولیت محدود) که به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱ تیر ۱۴۰۱ منحل گردیده است، دعوت به عمل می آید تا ظرف مدت حداکثر یک سال از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبتۀ ادعای خود، به مدیر تصفیه خاتم افسانه پروین عشق آباد مستقراً در نشانی تهران، محله ایباذر، کوچه گلستان دوازدهم، بلوار ایباذر، بیمارستان پیامبران، واحد ای سی یو دارای کدپستی ۱۴۷۱۷۵۴۹۹۴ مراجعه نمایند بدیهی است شرکت و مدیر تصفیه در مورد هر گونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهند داشت. **خاتم افسانه پروین عشق آباد مدیر تصفیه شرکت احیاگران سلامت فردا (با مسئولیت محدود) در حال تصفیه**

کارت خودروپیژو3 206TU3 رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ایران ۹۹_ ۹۲۱ س ۴۶ شماره موتور ۰۲۸۶۶۶۰۱۴۱۸۶ و شماره شاسی ۲۱۵۲۴۲۱۰ به نام احمد موسی زاده فهندری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز، سند کمپانی ، کارت ماشین و تسلسل اسناد خودروزانتیا رنگ سفید مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ایران ۴۴_ ۳۱۳ ۹۵ و شماره موتور۰۹۹۵۲۷ و شماره شاسی S15۱2285۱39682 به نام **شایان خدائی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.**